

فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز

سال پنجم شماره ۲۰ زمستان ۱۳۸۹

مقایسه‌ی سبک‌های هویت، انواع هویت در دانشجویان دختر و پسر

دکتر منصور بیرامی - دانشیار دانشگاه تبریز

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه انواع هویت، سبک‌های هویت در دانشجویان دختر و پسر انجام شد. روش این پژوهش از نوع توصیفی - مقایسه‌ای بود که در آن نمونه‌ای شامل ۲۰۰ نفر از دانشجویان سال اول دانشگاه تبریز (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب و با استفاده از پرسشنامه‌ی سبک‌های هویت و پرسشنامه‌ی حالات هویت آدامز مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج حاصل با استفاده از روش تحلیل واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین سبک اطلاعاتی و سردرگم ($P < 0/01$)، در دو گروه دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بین هویت تعلیق یافته ($P < 0/015$)، هویت زود شکل یافته ($P < 0/01$)، و هویت آشفته ($P < 0/01$)، در دو گروه دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار است.

واژگان کلیدی: سبک هویت، انواع هویت.

از نظر اریکسون ایجاد یک احساس هویت قوی و روشن از اینکه شخص چه کسی است مهم‌ترین وظیفه رشدی است که نوجوان با آن مواجه می‌شود، از این رو بحران رشدی عمده‌ای که نوجوان با آن مواجه می‌شود تعارض بین پذیرش، انتخاب یا کشف یک هویت بوده و پخش انرژی نوجوان به شک و تعارض در مورد انتخاب هویت می‌انجامد. نوجوانان طبق نظر اریکسون (۱۹۶۸ به نقل از ماریس^۱، ۲۰۰۱) با بحرانی به نام بحران هویت دست و پنجه نرم می‌کنند. در این دوره کارهایی به عهده نوجوان گذاشته می‌شود که انجام آن، کار بسیار سخت و طاقت‌فرسا است مخصوصاً اینکه منابع اطلاعاتی نوجوانان در عصر حاضر بیش از گذشته است و همین امر فرایند هویت‌یابی آنان را گاه با مشکل مواجه می‌کند. در هر صورت نوجوانان راه‌گریزی از این تکلیف تحولی ندارند و به قولی باید در این فرایند به نقطه‌ای برسند که بتوانند زندگی بعدی خود را ادامه دهند.

برای بسیاری از افرادی که از محیط مدرسه به محیط دانشگاه وارد می‌شوند، ورود تا حدودی یک انتقال مشکل به نظر می‌رسد. نه تنها این افراد از خانواده خود جدا می‌شوند بلکه با شبکه‌های اجتماعی جدید و فرهنگ‌های مختلف و مسائل درسی و انتظارات جدید تحصیلی مواجه می‌شوند. تحقیقات بسیاری پیشنهاد می‌کنند که تفاوت‌های فردی در ابعاد شخصیت تعیین می‌کنند که دانشجویان چگونه با این انتقال مواجه می‌شوند (آدامز^۲ و همکاران، ۲۰۰۰).

شکل‌گیری هویت تحت تأثیر عوامل بین فردی است که شامل ظرفیت‌های ذاتی خود فرد و اکتساب ویژگی‌های شخصیتی است. بنابراین همان قدر که شخص با افرادی که مورد احترام او هستند و به نصیحت‌های آنها گوش می‌دهد، همانندسازی می‌کند و همچنین همان قدر که فرد از عوامل فرهنگی که شامل ارزش‌های اجتماعی گسترده بوده و فرد در زمان رشد در معرض آنها قرار دارد، پیروی می‌کند شکل‌گیری هویت او

1- Maris

2- Adams

موفقیت‌آمیز خواهد بود (آدامز و همکاران، ۲۰۰۰).

دستیابی موفقیت‌آمیز به هویت موجب اولین تکلیف بزرگسالی یعنی رشد احساس صمیمیت حقیقی می‌شود. ناکامی در دستیابی به هویت، به عدم صمیمیت یا فاصله‌گذاری منجر می‌شود. فاصله‌گذاری به آمادگی برای فاصله گرفتن از مردم و موقعیت‌هایی که ممکن است به طور مناسبی هویت فرد را نقض کند، اطلاق می‌شود. بنابراین، حل موفقیت‌آمیز مباحث هویت نه تنها برای سلامت فرد مهم است، بلکه برای روابط مهم آنها نیز اهمیت دارد. طبق نظر اریکسون، صمیمیت اصیل و واقعی تنها بعد از شکل‌گیری هویت ایجاد می‌شود. ایجاد مفهومی از خود، شرط لازم و قدم اول برای صمیمیت است که به صورت توانایی داشتن روابط دوجانبه با دیگر افراد تعریف می‌شود. دوجانبه بودن به این مفهوم است که هر دو شخص باید همزمان نیازها، افکار و احساسات دیگری را آن چنان که به نیازها، افکار و احساسات خود توجه دارند، مورد توجه قرار دهند و این یک نکته‌ی کلیدی است. تکامل مطالعه‌ی رشد هویت از اولین نوشته‌های فروید تا تفسیرهای نظری و نتیجه‌گیری‌های اریکسون، عملیاتی کردن تجربی مارسیا و در نهایت شش نظریه‌ی جایگزین (منظور برزونسکی، گروتوانت، واترمن، کورتینس، آدامز و کوته) که از ۱۹۸۷ به بعد معرفی شده، قابل ردیابی است (شوارتز، ۲۰۰۱).

پژوهش مارسیا (۱۹۶۶) نشان داد که ۲۴٪ (۲۱ نفر از ۸۶ نفر) از آزمودنی‌ها در وضعیت هویت نامتمایز و ۲۱٪ از آنها در وضعیت اکتساب بودند. پژوهش دیگر مارسیا (۱۹۶۷) حاکی از آن بود که ۱۹٪ (۱۴ نفر از ۷۲ نفر) در وضعیت هویت نامتمایز و ۲۱٪ در وضعیت اکتساب بودند. یافته‌های اسلوگوسکی، مارسیا و کوپمن (۱۹۸۴) به نقل از شهرآرا (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که ۳۵٪ (۳۵ نفر از ۹۹ نفر) از آزمودنی‌ها در مرحله‌ی نامتمایز و ۱۹٪ در مرحله‌ی اکتساب بوده و در این راستا مطالعه‌ی برزونسکی (به نقل از برزونسکی و کوک، ۲۰۰۵) نشان می‌دهد که ۲۲٪ (۲۶ نفر از ۱۱۸ نفر) از افراد در

1- Schwartz

2- Kuk

وضعیت نامتمایز و ۲۶٪ در وضعیت اکتساب و همچنین برزونسکی و همکاران (۱۹۹۹) نشان دادند که ۲۲٪ (۳۷ نفر از ۱۷۲ نفر) در وضعیت نامتمایز و ۳۲٪ در وضعیت اکتساب قرار دارند. آدامز (به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۴) در یک بررسی طولی نشان داد که در سال اول دانشگاه ۳۷٪ در سال دوم ۴۰٪ و در سال سوم ۳۱٪ از آزمودنی‌های وی در وضعیت نامتمایز بودند (برای افراد در وضعیت اکتساب این اعداد به ترتیب ۱۶٪، ۱۷٪ و ۱۶٪ بود). یافته‌های این بررسی گویای آن است که با افزایش سن تفاوت زیادی در درصد فراوانی قرار گرفتن نوجوانان در وضعیت‌های هویتی مختلف دیده نشده است. پلکینین و کوکو (به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) دریافتند که وضعیت‌های هویتی، ثابت و غیرقابل تغییر نیستند. شاید بتوان تفاوت یافته‌های پژوهش حاضر با بررسی‌های دیگر را به دلیل تفاوت‌های فرهنگی دانست. بسیاری از پژوهشگران بر تأثیر عوامل نژادی، فرهنگی و مذهبی در میزان فراوانی قرار گرفتن نوجوانان در وضعیت‌های هویتی مختلف تأکید نموده‌اند. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین وضعیت‌های هویت ایدئولوژیکی دختران و پسران تفاوت معنی‌دار وجود دارد. دختران بیشتر در وضعیت هویت ایدئولوژیکی و میان فردی مهلت مجاز قرار دارند، در حالی که پسران از نظر هویت‌های ایدئولوژیکی و میان فردی بیشتر در وضعیت‌های نامتمایز و مهلت مجاز بودند. آدامز و فیچ (۱۹۸۲) در یک بررسی طولی در مورد رشد هویت افراد در اواخر دوره‌ی نوجوانی، تفاوت معنی‌داری را در شکل‌گیری هویت دختران و پسران گزارش نمودند. از سوی دیگر استریتمتر^۲ (۱۹۹۳) نشان داد که دختران نمرات بالاتری از پسران هم سن خود در وضعیت اکتسابی به دست می‌آورند. رحیمی‌نژاد (۱۳۸۴) در تحقیق خود به منظور استاندارد کردن پرسشنامه گسترش‌یافته سنجش عینی هویت من آدامز، بنیون و هیون (۱۹۸۹) و مقایسه دختران و پسران در روابط بین فردی نشان داد که با بالا رفتن پایه‌ی تحصیلی، میزان وضعیت مغشوش و زودرس در پسران کاهش و درصد وضعیت دیررس

1- Berzonsky

2- Streitmatter

و اکتساب هویت افزایش می‌یابد. در دختران هویت مغشوش و زودرس با بالا رفتن پایه کاهش ولی درصد هویت دیررس و اکتساب هویت افزایش یافت. زودرسی عقیدتی و بین فردی پسران بیش از دختران و دیررسی عقیدتی و بین فردی دختران بیش از پسران است. در مجموع، نمرات وضعیت‌های مغشوش، هویت اکتسابی عقیدتی و نمرات وضعیت‌های هویت اکتسابی بین فردی دختران و پسران نزدیک به هم می‌باشد. حسینی طباطبائی (۱۳۷۷) در پژوهش خود با عنوان رابطه‌ی بین پایگاه‌های هویت و سبک‌های مقابله با بحران در نوجوانان و جوانان نتیجه گرفت که افراد در پایگاه مغشوش از سبک مقابله هیجان‌مدار و افراد با پایگاه موفق از روش مسأله‌مدار استفاده می‌کنند. در این تحقیق بین پسران و دختران از لحاظ رسیدن به پایگاه‌های هویتی تفاوتی مشاهده نشد.

برزونسکی (۱۹۹۲) در مطالعه‌ی خود درباره‌ی رابطه‌ی سبک‌های پردازش هویت و شیوه‌های مقابله با بحران نتیجه گرفت که افراد با سبک پردازش سردرگم / اجتنابی و هنجاری بیشتر از شیوه‌های مقابله اجتنابی (مثل: تفکر آرزومند، اجتناب، تعلل، بهانه آوردن) و افراد با سبک پردازش هویت اطلاعاتی از شیوه‌های مقابله‌ای مسأله‌مدار برای کنار آمدن با فشارهایی که به طور بالقوه درک شخصی آنها را از هویت تهدید می‌کند، استفاده می‌کنند. تعهدات ضعیف‌تر با سطوح پایین جسارت شخصی و مسؤولیت‌پذیری رابطه دارد (نورمی و همکاران، ۱۹۹۷؛ نقل از شوارتز، ۲۰۰۱). تحقیقات نشان داده است که استفاده از شیوه‌ی مقابله با بحران هیجان‌مدار، خودناتوان‌سازی، منبع کنترل بیرونی با راهبردهای ضعیف اسنادی و شناختی رابطه دارد (برزونسکی ۱۹۹۰، ۱۹۹۴a؛ برزونسکی و فراری، ۱۹۹۶؛ برزونسکی، ۲۰۰۴). ولوراس و بوسما (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای به بررسی اهمیت سبک‌های هویت بر بهزیستی روان‌شناختی پرداختند. نتایج نشان داد که اجتناب از

مواجهه با مسائل مرتبط با هویت (سبک سردرگم / اجتنابی) با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی دارد. این در حالی است که شیوه‌ی مواجهه با تکالیف هویتی در زمان مواجهه چندان مهم به نظر نمی‌رسد. نتیجه این که دوره‌ی نوجوانی و جوانی که با تغییرات سریع جسمی، عاطفی، شناختی و رفتاری همراه است، در گستره‌ی زندگی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده زیرا زیربنای آنچه که نوجوان در آینده می‌سازد و همچنین تمام دست‌آوردهای گذشته او در این دوره به محک تجربه گذاشته می‌شود و لذا چنانچه در این راه مشکلات غیرقابل‌حلی وجود داشته باشد، ممکن است فرایند هویت‌یابی دچار انحراف شود. بسیاری از بزهکاری‌ها، رفتارهای انحرافی و مسایل تحصیلی ریشه در هویت آشفته و سردرگم دارند، زیرا تا زمانی که نوجوان نداند کیست، نمی‌داند به کجا می‌خواهد برود. از آنجا که جوانان نسل آینده کشور محسوب می‌شوند و سرنوشت کشور به آنها وابسته است بنابراین پژوهش‌هایی که بتواند در مورد ساز و کارهای روان‌شناختی آنها، اطلاعات مفیدی در اختیار مسؤولان قرار دهد از اهمیت به‌سزایی برخوردارند. با توجه به تأکید بر جوان‌گرایی، ضروری است که پژوهش‌های روان‌شناختی به سمت مسایل بنیادی مثل هویت گام بردارند تا بتوانند راه‌گشای جوانان پرشور و امیدآفرین باشند. چنین افرادی صلاحیت به دست گرفتن آینده کشور دارند و این امر از راه داشتن نگرشی علمی و انسان‌دوستانه میسر است. بنابراین با توجه به مطالب فوق تحقیق حاضر به بررسی نوع هویت، سبک‌های هویت در دانشجویان دختر و پسر می‌پردازد تا با مشخص شدن عامل‌های زمینه‌ای و نوع و سبک هویت آنها راهکارهای مناسب جهت مقابله با مشکلات پیش رو ارائه شود.

مواد و روش‌ها

طرح پژوهش حاضر از نوع غیرآزمایشی (توصیفی) می‌باشد. با توجه به اینکه هدف این پژوهش بررسی روابط علی نبوده است و بیشتر در پی کشف روابط بین متغیرها و مقایسه میانگین‌ها می‌باشد، می‌توان آن را پژوهش از نوع زمینه‌یابی (پیمایشی) دانست (دلاور،

۱۳۸۰). جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را دانشجویان دختر و پسر ورودی سال ۱۳۸۸ دانشگاه تبریز تشکیل دادند. نمونه‌ی آماری در این پژوهش عبارت بود از ۲۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) که بر طبق جدول مورگان به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به این صورت که ابتدا از بین دانشکده‌های دانشگاه تبریز ۴ دانشکده به صورت تصادفی ساده انتخاب شد. سپس از بین کلاس‌های هر دانشکده سه کلاس انتخاب شد. برای اجرای این پژوهش پس از انتخاب نمونه‌ی آماری، پرسشنامه‌ها بر روی دانشجویان اجرا شد و پس از تکمیل داده‌های به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

ابزارهای گردآوری داده‌ها

پرسشنامه‌ی سبک‌های هویت: پرسشنامه‌ی سبک‌های هویت اولین بار توسط برزونسکی (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری فرایندهای شناختی - اجتماعی که نوجوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت از آن استفاده می‌کنند، طراحی شد. براساس دیدگاه برزونسکی نوجوانان سه جهت‌گیری متفاوت یا سه سبک پردازشی هویتی مختلف را انتخاب می‌کنند. این پرسشنامه سه سبک هویتی شامل اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و شامل ۴۰ سوال است که ۱۱ سوال (سوالات ۲، ۵، ۶، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۳۷) به سبک هویت اطلاعاتی، ۹ سوال (سوالات ۴، ۱۰، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۳۲، ۳۴، ۴۰) به سبک هویت هنجاری و ۱۰ سوال (سوالات ۳، ۸، ۱۳، ۱۷، ۲۴، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۶، ۳۸) به سبک هویت سردرگم / اجتنابی و ۱۰ سوال (سوالات ۱، ۷، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۳۹) نیز به مقیاس تعهد اختصاص داده شده است. سوالات بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای (کاملاً مخالف=۱، مخالف=۲، تاحدودی موافق=۳؛ موافق=۴؛ کاملاً موافق=۵) نمره‌گذاری می‌شوند. سوالات ۹، ۱۱، ۱۴ و ۲۰ به طور معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. برزونسکی (۱۹۹۷) در آخرین (سومین) نسخه‌ی تجدیدنظر شده پرسشنامه‌ی خود ضرایب آلفای کرونباخ ($N=618$) برای هر یک از خرده‌مقیاس‌ها

را ۰/۷۰، ۰/۶۴ و ۰/۷۶، ۰/۷۱ به ترتیب برای سبک اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم / اجتنابی و تعهد هویت گزارش کرده است.

وایت و همکاران (۱۹۹۸) برای بررسی ویژگی‌های مقیاس تجدیدنظرشده برزونسکی، آن را بر روی یک نمونه ۳۶۱ نفری از دانشجویان با میانگین سنی ۲۱/۵ سال که ۷۶٪ آن مرد بودند، اجرا کردند. آنها با استفاده از روش همسانی درونی ضریب آلفای کرونباخ را برای سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی به ترتیب ۰/۵۹، ۰/۶۴ و ۰/۷۸ را محاسبه کردند. همچنین آنها هنگام اجرای این مقیاس مشاهده کردند که در برخی موارد افراد در پاسخگویی به سوالات دچار مشکل می‌شوند. با توجه به اینکه پرسشنامه‌ی برزونسکی براساس ویژگی‌های گروه مطالعه‌اش که عده‌ای از دانشجویان بودند، ساخته شده بود، وایت و همکاران تردید داشتند که این پرسشنامه بتواند به صورت مطلوبی برای نوجوانان در سنین پایین‌تر و همچنین بزرگسالان با مهارت‌های محدود خواندن مورد استفاده قرار گیرد. از طرفی اعتبار ضعیف سازه در مقیاس برزونسکی نشان می‌داد که همه‌ی مقیاس‌ها به طور مثبت با هم رابطه دارند ($r=0/58$) بین سبک اطلاعاتی و هنجاری؛ $r=0/13$ بین سبک اطلاعاتی و سردرگم / اجتنابی؛ $r=0/27$ بین سبک هنجاری و سردرگم / اجتنابی). در حالی که انتظار می‌رود سبک هنجاری با سبک اطلاعاتی همبستگی مثبت و سبک سردرگم / اجتنابی با سبک اطلاعاتی همبستگی منفی نشان دهد. بدین ترتیب وایت و همکاران (۱۹۹۸) برای رفع چنین نقص‌ها و کاستی‌هایی به تهیه‌ی یک نسخه جدید از پرسشنامه سبک‌های هویت با نام سبک‌های هویت (نسخه G) اقدام نمودند.

از طرفی وایت^۱ و همکاران (۱۹۹۸) جهت بررسی اعتبار سازه‌ی پرسشنامه‌ی سبک‌های هویت (نسخه ۳)، (برزونسکی، ۱۹۹۲؛ نقل از وایت و همکاران، ۱۹۹۸)، نسخه تجدیدنظر شده خود را مورد تحلیل قرار دادند. برای بررسی، آنان ابتدا سوالات تعهد را از

1- White

مقیاس حذف کردند (سوالات مربوط به تعهد، سبک هویتی را نمی‌سنجد، بنابراین در تحلیل عامل‌های مربوط به سبک‌ها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد). سپس پاسخ افراد به سوالات دیگر در سه سبک را به روش تحلیل عاملی اکتشافی و با استفاده از چرخش واریماکس با مؤلفه‌های اصلی مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج تحلیل عاملی به دست آمده بسیار شبیه به تحلیل عاملی نسخه‌ی اصلی بود. ضریب همبستگی بین عوامل به دست آمده در نسخه‌ی تجدیدنظر شده وایت با نسخه‌ی اصلی به ترتیب: عامل اول (سبک اطلاعاتی) $r=0/79$ ، عامل دوم (سبک هنجاری) $r=0/81$ ، عامل سوم (سبک سردرگم / اجتنابی) $r=0/84$ به دست آمد که هم ضرایب، بالا و قابل ملاحظه بودند.

پرسشنامه‌ی حالات هویت آدامز: پرسشنامه‌ی حالات هویت آدامز براساس نظریه‌ی اریکسون و مارسیا در مورد هویت تدوین شده است. این پرسشنامه از 64 آیتم تشکیل شده و شامل 4 خرده‌مقیاس می‌باشد. خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه عبارتند از:

1- خرده‌مقیاس هویت آشفته؛

2- خرده‌مقیاس هویت زود شکل گرفته؛

3- خرده‌مقیاس هویت به تعویق افتاده؛

4- خرده‌مقیاس هویت پیشرفت.

هر خرده‌مقیاس شامل 16 آیتم می‌باشد. این خرده‌مقیاس‌ها چهار حالت هویت آشفته، هویت زود شکل گرفته، هویت به تعویق افتاده و هویت پیشرفت را مشخص می‌کنند. آیتم‌های 1-2-3-4-6-7-10-16-19-23-25-29-30-52-53-56-59، حالت هویت آشفته را مشخص می‌کند. نمره‌ی 53 و بالاتر ملاک تشخیص حالت هویت آشفته می‌باشد. آیتم‌های 3-17-21-24-27-28-37-38-39-41-44-50-58-62-63-64، حالت هویت زود شکل گرفته را مشخص می‌کند. نمره 53 و بالاتر ملاک تشخیص حالت هویت زود شکل گرفته می‌باشد. آیتم‌های 5-9-11-12-14-26-31-32-34-36-43-

۴۷-۴۸-۵۴-۵۷-۶۱ حالت هویت به تعویق افتاده را مشخص می‌کند. نمره‌ی ۶۳ و بالاتر ملاک تشخیص حالت هویت به تعویق افتاده می‌باشد.

آیتم‌های ۸-۱۳-۱۵-۱۸-۲۰-۲۲-۳۳-۳۵-۴۰-۴۲-۴۶-۴۹-۵۱-۵۵-۶۰ حالت هویت پیشرفت را مشخص می‌کند. نمره‌ی ۷۳ و بالاتر ملاک تشخیص حالت هویت پیشرفت می‌باشد. آیتم‌های هر خرده‌مقیاس در مورد دو حیطة‌ی کلی مسائل ایدئولوژیکی (شغل، مذهب، سیاست، فلسفه زندگی) و بین فردی (دوستی، قرار ملاقات، تفریح، نقش جنسی) می‌باشد. در واقع می‌توان گفت که هر خرده‌مقیاس، در درون خود شامل خرده‌مقیاس‌های ایدئولوژیکی و بین فردی نیز می‌باشد. اعتبار آزمون با روش همسانی درونی محاسبه شده است و نتایج آن رضایت‌بخش بوده است. اعتبار مقیاس‌های آزمون بین ۴۰٪ تا ۷۳٪ و ضریب اعتبار کل آزمون ۷۸٪ بوده است. روایی آزمون به روش‌های همگرا / واگرا و روایی همزمان بررسی شده و در نتایج به دست آمده همگرایی زیر مقیاس‌ها تا ۹۳٪ و واگرایی بین زیر مقیاس‌ها تا ۷۶٪ بوده است. روایی همزمان آزمون نیز با استفاده از سیاهه رشد روانی - اجتماعی کنستانتینوپل و مصاحبه‌ی پایگاه هویت مارسیا ارزیابی شده است و نشان می‌دهد که قرار گرفتن در مرحله‌ی بالای رشد روانی - اجتماعی (در سیاهه کنستانتینوپل) با قرار گرفتن در پایگاه دستیابی به هویت همبستگی مثبت (۰/۵۲) و با قرار گرفتن در سایر پایگاه‌ها همبستگی منفی معنادار (تا ۰/۳۸) دارد. همچنین بین نتایج تشخیص پایگاه‌های هویت از طریق مصاحبه پایگاه هویت مارسیا و از طریق آزمون عینی برای هر چهار خرده‌مقیاس دستیابی، تعلیق، ممانعت و پراکندگی، همبستگی متوسط (۰/۵۴) تا قوی (۰/۷۸) دیده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

جدول (1-1) داده‌های توصیفی برای سبک‌های هویت در دو گروه دانشجویان دختر و پسر

سبک	گروه	میانگین	انحراف معیار
اطلاعاتی	دانشجویان پسر	۳۸/۹۱	۶/۶۱
	دانشجویان دختر	۳۳/۹۰	۹/۳۳
هنجاری	دانشجویان پسر	۳۱/۰۱	۷/۴۳
	دانشجویان دختر	۳۱/۲۴	۶/۲۷
سردرگم	دانشجویان پسر	۲۴/۸۹	۷/۱۰
	دانشجویان دختر	۲۶/۱۶	۷/۶۹

جدول ۱-۱ داده‌های توصیفی را برای انواع سبک‌های هویت در دو گروه دانشجویان دختر و پسر نشان می‌دهد. چنان که در بالا نیز مشاهده می‌گردد در سبک تعهد، سردرگم و نیز سبک اطلاعاتی بین دو گروه تفاوت وجود دارد.

جدول (1-2) داده‌های توصیفی برای انواع هویت در دو گروه دانشجویان دختر و پسر

سبک	گروه	میانگین	انحراف معیار
پیشرفته	دانشجویان پسر	۵۸/۸۸	۸/۷۸
	دانشجویان دختر	۶۱/۹۷	۸/۴۹
آشفته	دانشجویان پسر	۴۶/۵۵	۷/۲۸
	دانشجویان دختر	۵۲/۴۰	۶/۹۷
زود شکل گرفته	دانشجویان پسر	۳۸/۶۰	۱۱/۲۲
	دانشجویان دختر	۴۴/۹۲	۸/۸۵
تعویق افتاده	دانشجویان پسر	۵۱/۵۷	۶/۳۴
	دانشجویان دختر	۵۳/۴۳	۷/۲۴

جدول ۲-۱ داده‌های توصیفی را برای انواع هویت در دو گروه دانشجویان دختر و پسر نشان می‌دهد. چنان که در بالا نیز مشاهده می‌گردد در هویت پیشرفته، آشفته، زود شکل یافته و تعویق افتاده سردرگم بین دو گروه تفاوت وجود دارد.

تحلیل استنباطی

جدول (۱-۲) نتایج تحلیل واریانس چند متغیره برای سبک‌های هویت در دانشجویان دختر و پسر

منبع	سبک	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی‌داری
اطلاعاتی	۱۲۵۵/۰۰۵	۱	۱۲۵۵/۰۰۵	۱۹/۱۸	۰/۰۰۰	
گروه	هنجاری	۲/۶۴	۱	۲/۶۴	۰/۰۵۶	۰/۸۱۳
سردرگم	۶۴۸/۰۰	۱	۶۴۸/۰۰	۱۸/۶۸	۰/۰۰۰	
اطلاعاتی	۱۲۹۵۳/۵۹	۱۹۸	۶۵/۴۲			
خطا	هنجاری	۹۳۷۷/۲۳	۱۹۸	۴۷/۳۶		
سردرگم	۶۸۶۷/۰۲۰	۱۹۸	۳۴/۶۸			
اطلاعاتی	۲۷۹۲۷۳/۴۰۰	۲۰۰				
کل	هنجاری	۲۰۳۱۳۳/۰۰	۲۰۰			
سردرگم	۱۷۴۹۰۴/۰۰	۲۰۰				

نتایج تحلیل واریانس در جدول شماره ۳-۱ آمده است. چنان که ملاحظه می‌شود بین دانشجویان دختر و پسر از نظر سبک اطلاعاتی ($P < ۰/۰۰۰$)، سردرگم ($P < ۰/۰۰۱$)، تفاوت معنی‌دار وجود دارد. و مطابق با میانگین دو گروه می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت پسران در هر دو نوع سبک بهتر از دختران می‌باشد. به این معنی که پسران از سبک اطلاعاتی، بیشتر از دختران استفاده می‌کنند و دختران نیز بیشتر از سبک سردرگم استفاده می‌کنند.

جدول (۱-۴) نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره برای انواع هویت در دانشجویان دختر و پسر

منبع	نوع هویت	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی داری
	هویت پیشرفته	۴۷۷/۴۰	۱	۴۷۷/۴۰	۶/۳۹	۰/۲۲۴
	هویت تعلیق یافته	۸۱/۴۶	۱	۸۱/۴۶	۱/۴۸	۰/۰۱۲
گروه	هویت زود شکل یافته	۱۹۹۷/۱۲۰	۱	۱۹۹۷/۱۲۰	۱۹/۵۲	۰/۰۰۰
	هویت آشفته	۱۷۱۱/۱۲۵	۱	۱۷۱۱/۱۲۵	۳۳/۶۴	۰/۰۰۰
	هویت پیشرفته	۱۴۷۷۵/۴۷	۱۹۸	۷۴/۶۲		
	هویت تعلیق یافته	۱۰۸۵۲/۳۱	۱۹۸	۵۴/۸۱		
خطا	هویت زود شکل یافته	۲۰۲۵۳/۳۶	۱۹۸	۱۰۲/۲۹		
	هویت آشفته	۱۰۰۶۸/۷۵	۱۹۸	۵۰/۸۵		
	هویت پیشرفته	۷۴۵۴۸۹/۰۰	۲۰۰			
	هویت تعلیق یافته	۱۴۱۲۷۱/۵۷	۲۰۰			
کل	هویت زود شکل یافته	۳۷۱۰۳۰/۰۰	۲۰۰			
	هویت آشفته	۵۰۱۳۳۵۲/۰۰	۲۰۰			

نتایج تحلیل واریانس در جدول شماره ۴-۱ آمده است. چنان که ملاحظه می‌شود بین دانشجویان دختر و پسر از نظر هویت تعلیق یافته ($P < 0/012$)، هویت زود شکل یافته ($P < 0/001$)، و هویت آشفته ($P < 0/001$)، تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بنابراین با توجه به میانگین دو گروه می‌توان نتیجه گرفت که دختران نسبت به پسران در انواع هویت، نمرات بالاتری گرفته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش تفاوت انواع هویت، سبک‌های هویت در دانشجویان دختر و پسر را مورد بررسی قرار می‌داد. نتیجه‌ی پژوهش نشان داد که دختران و پسران در هویت زود شکل یافته، آشفته و هویت تعلیق یافته با همدیگر تفاوت دارند. این یافته با یافته‌ی

محمدی (۱۳۸۵) و اترمن (۱۹۹۲) امیدیان و شکرکن (۱۳۸۳) همسو می‌باشد. با توجه به این نتایج می‌توان تبیین اریکسون در این زمینه را مد نظر قرار داد که اظهار می‌دارد رشد هویت برای مردان و زنان ممکن است کاملاً متفاوت باشد. وی پیشنهاد می‌کند که تفاوت‌های کالبدشناختی ممکن است در ویژگی‌های فرایند رشد هویت اثر بگذارند. بعد از چندین مطالعه، پژوهشگران نتیجه گرفته‌اند که تفاوت‌های جنسی ممکن است در برخی از جنبه‌های شکل‌گیری هویت و در آنچه هویت موفق را تشکیل می‌دهد، مؤثر واقع شوند. در مطالعاتی که و اترمن (۱۹۹۲؛ نقل از شهرآرای، ۱۳۸۴) آنها را شرح داده است، پژوهشگران در برخی مباحث هویت مخصوصاً در نگرش نسبت به رابطه‌ی جنسی پیش از ازدواج، تفاوت‌هایی نشان نداده‌اند؛ اما به طور کلی هم مردان و هم زنان در سطح دبیرستان و دانشگاه از الگوهای مشابه شکل‌گیری هویت پیروی می‌کنند (شهرآرای، ۱۳۸۴). مارسیا (۱۹۶۶/۱۹۸۰؛ نقل از شهرآرای، ۱۳۸۴) براساس مفهوم هویت اریکسون، روش خاصی را برای مطالعه‌ی وضعیت هویت در نوجوانان ارائه کرد. طبقه‌بندی مارسیا نشان می‌دهد که چگونه نوجوانان در مورد مسائل مربوط به هویت خود به جستجوگری و اکتشاف می‌پردازند و چه تعهداتی در برابر ارزش‌های خاص، نقش‌ها و روابط اجتماعی به دست می‌آورند. در وهله‌ی اول، چنین به نظر می‌رسد که نیاز به هویت‌یابی برای دختران و پسران به یک اندازه مطرح است، ولی مطالعات آرچر (۱۹۸۵a؛ نقل از شهرآرای، ۱۳۸۴) نشان داده‌اند که فرایند و نتایج هویت‌یابی برای دختران و پسران فرق می‌کند. برای مثال، در حالی که دختران و پسران در مورد تصمیم‌های شغلی خود شبیه هستند، دختران در انتظارات شغلی خود بیشتر به برقراری تعادل بین نیازهای خود با دیگران، به ویژه خانواده‌ی آینده، توجه دارند. هر چند دختران و پسران تکلیف شکل‌گیری هویت را در دوران نوجوانی شروع می‌کنند، ولی ضرورت‌های مختلف فرهنگی موجب می‌شود که مسائل مربوط به هویت را در زمان‌های مختلف حل کنند. حداقل، برای بعضی از زنان، تغییرات مربوط به هویت در طول بزرگسالی ادامه می‌یابد و احتمال آن در دوران انتقال (رفتن فرزندان از خانه، طلاق) افزایش می‌یابد (آرچر، ۱۹۸۵b؛ نقل از شهرآرای، ۱۳۸۴).

پژوهش‌هایی که در دهه‌ی ۱۹۸۰ انجام گرفت، حاکی از آن است که اندیشه‌ی «هویت» ممکن است برای زنان و مردان متفاوت باشد (اسپرینتال و کالینز، ۱۹۹۵؛ مارسیا، ۱۹۹۳؛ اریکسون، ۱۹۶۸؛ نقل از شهرآرای، ۱۳۸۴).

با اینکه تأکیدات پیشین بر هویت، معطوف به «حس شخصی فرد از خود» بوده در انتخاب شغل و ارزش‌ها نمایان می‌شود، با این حال پژوهشگرانی چون جسلسون (۱۹۸۸a/b؛ نقل از شهرآرای، ۱۳۸۴) نشان داده‌اند که زنان درک دیگری از هویت دارند، که در آن «حس شخصی از خود» مربوط به روابط با دیگران است. به عبارت دیگر، مفهومی که فرد از هویت خود دارد با روابط او با دیگران ارتباط مستقیم دارد. تفاوت‌های جنسی، مربوط به تفاوت بین انتظاراتی است که از طریق برخوردهای گوناگون با دختر و پسر از لحظه تولد فرا گرفته می‌شود (هوستون، ۱۹۸۳؛ نقل از شهرآرای، ۱۳۸۴). انتظارات مربوط به جنس، معمولاً در دوران نوجوانی شدت می‌یابد، زیرا والدین و همسالان بر این باورند که نوجوانان باید با نزدیک شدن به دوران بزرگسالی بیشتر از نقش‌های مناسب جنسی، پیروی کنند. انتظارات از دختران و پسران متفاوت است، از پسران بیشتر انتظار می‌رود که ویژگی‌هایی نظیر: ابراز وجود، اتکا به خود، خودکفایی، تسلط‌جویی، منطقی بودن در حل مسائل و تصمیم‌گیری و دفاع از باورهای شخصی، داشته باشند. در مقابل، از زنان انتظار می‌رود که نسبت به دیگران حساسیت نشان دهند، در ابراز خود عاطفی باشند و در حل مسائل به جای منطقی از شهود استفاده کنند و در روابط خود با دیگران نقش پرورشی (یا تربیت‌کننده) را بر عهده بگیرند (شهرآرای، ۱۳۸۴). گیلیگان (۱۹۸۷؛ نقل از شهرآرای، ۱۳۸۴)، چودورو (۱۹۷۸؛ نقل از شهرآرای، ۱۳۸۴) و جسلسون (۱۹۸۸a/b؛ نقل از شهرآرای، ۱۳۸۴) بیان می‌دارند که تکالیف روانی دختران و پسران در سنین نوجوانی متفاوت است. به نظر این پژوهشگران، تفاوت اساسی مربوط به فعالیت‌ها و تکالیف رشدی است که به مفاهیم استقلال و خودمختاری و جدایی مربوط می‌شود. به نظر آنها، نقش‌های جنسی مردانه، به طور سنتی بر استقلال و

خودمختاری تأکید داشته است. «چون جنس در فرهنگ‌های گوناگون به شیوه‌های متفاوت، ادراک، تفسیر و ارزش‌گذاری می‌شود، ضروری است که در تعمیم یافته‌های پژوهشی بسیار حساس، دقیق و محتاط باشیم. مبانی نظری و پژوهشی را چارچوب و گامی اولیه برای مطالعات عمیق‌تر و گسترده‌تر بدانیم و با دیدی چندجانبه و میان رشته‌ای به مطالعه جنس و به تعامل پیچیده ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی و فرهنگی آن بیش از پیش اهتمام ورزیم» (گولومبوک و فی وش، ۱۹۹۵؛ ترجمه شهرآرای، ۱۳۸۲).

از سویی نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که تفاوت دختران و پسران در وضعیت‌های هویتی، به تفاوت در خودمختاری تحصیلی، اشتغالات تحصیلی و روابط بین فردی بالیده منتهی می‌شود. علاوه بر این، در بیشتر موارد، رابطه‌ی بین این متغیرها از طریق سبک پردازشی هویت میانجی‌گری می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که بین سبک‌های اطلاعاتی و سردرگم بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد. این یافته با نتایج برزونسکی و کوک (۲۰۰۰) همسو نیست، چرا که برزونسکی مطرح می‌کند که زنان به صورت معناداری نسبت به مردان نمرات بالاتری را در سبک هویتی اطلاعاتی کسب می‌کنند. برزونسکی علت این تفاوت را مشارکت زنان در شبکه‌ها و گروه‌های اجتماعی مطرح می‌کند و معتقد است که عضویت در گروه‌های اجتماعی موجب افزایش رفتار هدفمند و خودجوش می‌شود و چنین رفتارهایی با استفاده از سبک هویت اطلاعاتی همسویی دارد. البته این تبیین می‌تواند در مورد دانشجویان پسر نیز صدق نماید چرا که می‌توان برتری زنان در سبک هویت اطلاعاتی را ناشی از تحولات اجتماعی اخیر در کشور ایران دانست. یافته‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان با سبک اطلاعاتی، بهترین آمادگی را برای انطباق مؤثر با محیط دانشگاه دارند، در صورتی که افراد با سبک سردرگم، مستعد رویارویی با مشکلات بودند. نتایج نشان داد که سطوح رشد هویت فردی دانشجویان، خودمختاری تحصیلی، اشتغال تحصیلی و بالیدگی در روابط بین فردی به طور مثبتی با استفاده از سبک اطلاعاتی و به طور منفی با استفاده از سبک سردرگم

رابطه دارد. همچنین، سبک‌های هویت توانستند ۲۰٪ از واریانس متغیر روابط بین فردی را تبیین کنند. علاوه بر این، نتایج مطالعه آنان نشان داد که می‌توان اثرات منفی سبک هویت سردرگم بر خودمختاری تحصیلی و تجربه‌ب مسائل بین فردی را به وسیله‌ی شیوه‌ی ترجیحی افراد در مواجهه با مسائل، عوامل استرس‌زا و تقاضاهای محیطی تبیین کرد (دانشورپور، ۱۳۸۵). قدرمسلم این که انجام هر پروژه تحقیقی با محدودیت‌هایی همراه است. با توجه به اینکه شکل‌گیری هویت و روابط بین فردی در دوران نوجوانی، از اهمیت و نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی بزرگسالی فرد برخوردار است، و از آنجا که متغیر هویت از عوامل مختلف درون فردی و برون فردی می‌تواند متأثر گردد، و همچنین از آنجا که در پژوهش حاضر متغیرهای مذکور با استفاده از ابزار خودگزارشی اندازه‌گیری شده‌اند، استناد به نتایج حاصل باید با احتیاط صورت گیرد.

References

منابع

امیدیان، مرتضی و شکرکن، حسین (۱۳۸۳). مقایسه وضعیت هویت‌یابی در دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع پیش دانشگاهی استان خوزستان، فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، (۱)، ۹۹-۸۹.

حسینی طباطبائی، فوزیه (۱۳۷۷). بررسی ارتباط بین پایگاه‌های هویت و سبک‌های مقابله با بحران در نوجوانان شهر مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

رحیمی‌نژاد، عباس (۱۳۸۴). طرح پژوهشی آموزش و پرورش شهر تهران، دانشگاه تهران.

شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۴). روانشناسی رشد نوجوان «دیدگاه تحولی»، تهران، انتشارات رشد

دانشورپور، زهره (۱۳۸۵). بررسی رابطه سبک‌های هویت و صمیمیت اجتماعی در دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های متوسطه دولتی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.

Adams, G.R., & Fitch, S.A. (1982). Ego Stage and Identity Status Development: A Crosss-sequential Analysis, *Journal of Personality and Social Psychology*, 43,574-583.

Adams, G.R., Ryan, B.A., & Keating, L., (2000). Family Relationships, Academic Environments, and Psychosocial Development during the University Experience: A longitudinal Investigation, *Journal of Adolescent Research*, 15, 99-122.

Berzonsky, M.D., Nurmi, J. E., Kinney, A., & Tammi, K. (1999). Identity Processing Style and Cognitive Attributional Strategies: Similarities and Difference across Different Contexts, *European Journal of Personality*, 13, 105-120.

Berzonsky, M.D., & Kuk, L.S., (2005). Identity Style, Psychological Maturity, and Academic Performance, *Personality and Individual Differences*, 3 9, 235-247.

Berzonsky, M.D. (2004). Identity Style, Parental Authority, and Identity Commitment, *Journal of Youth and Adolescence*, 33(3), 213-220.

- Berzonsky, M.D., (2003). Identity Style and Well-being: Does Commitment Matter? *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3(2), 131-142.
- Berzonsky, M.D. (1992). Identity Style and Coping Strategies, *Journal of Personality*, 60, 771-788.
- Berzonsky, M.D. (1989). Identity Style: Conceptualization and Measurement, *Journal of Adolescent Research*, 4, 267-281.
- Berzonsky, M.D., & Kuk, L. (2000). Identity Status and Identity Processing Style, and the Transition to University, *Journal of Adolescent Research*, 15(1), 81-98.
- Lacombe, A.C., & Gay, J., (1998). The Role of Gender in Adolescent Identity and Intimacy Decisions, *Journal of Youth and Adolescence*, 27, 795-802.
- Marcia, J.E. (1966). Developmental and Validation of Ego Identity Status, *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.
- Marcia, E., (1967). Ego Identity Status: Relationship to Change in Self-esteem, "General Maladjustment" and Authoritarianism, *Journal of Personality*, 35, 118-133.
- Streitmatter, J., (1993). Gender Differences in Identity Development: An Examination of Logitudinal Data, *Adolescence*, 28(109), 55-77.
- Schwartz, S.J., (2001). The Evolution of Eriksonian and Neo-Eriksonian Identity Theory and Research: A Review and Integration, an International, *Journal of Theory and Research*, 1(1), 7-58.
- Vleioras, G., & Bosma, H.A. (2005). Are Identity Styles Important for Psychological Well-being? *Journal of Adolescence*, 28(3), 397-409
- White, J.M., Wampler, R.S., & Winn, K.I. (1998). The Identity Style Inventory: A Revision with a Sixth-grade Reading Level (ISI-6G), *Journal of Adolescent Research*, 13(2), 223-245.